

آمریکا همچنان به کودک‌کشی و هدف قراردادن بیمارستان‌ها ادامه می‌دهد

جنایت از سر استیصال

حمله ارتش تروریستی آمریکا به مراکز نظامی و غیرنظامی و مناطقی از استان‌های جنوبی و شرقی کشور در پنجمین شب متوالی سند دیگری بر خوی وحشی تمدن انسان ستیز غربی شد. حمله به مراکز درمانی با هیچ نوع بهانه‌ای قابل توجیه نیست و براساس تعاریف حقوق بین‌الملل و بیانیه حقوق بشر که دول غربی خود از واضعان و مبلغان آن هستند، از مصادیق جنایت جنگی محسوب می‌شود. اما ذات جنایتکار یانکی و تشنگی آنها برای ریختن خون کودکان بارها در این چند دهه اثبات شده است.

بامداد پنجشنبه کودکان سرطانی بیمارستان شهید بقایی اهواز، که یکی از مراکز درمانی تخصصی استان خوزستان در ارائه خدمات درمانی به بیماران مبتلا به سرطان و بیماری‌های خونی، به‌ویژه کودکان است، وحشتی ناشی از سببیت دشمن آمریکا را تجربه کردند.

دست خدا محاسبات دشمن کودک‌کش را این‌بار غلط درآورد و بمب‌هایش به خود بیمارستان اصابت نکرد تا ملت ایران از ترومای میناب دیگری رنج نبرد. اما تجربه میناب که دشمن در آن در دو مرحله و عامدانه مدرسه میناب را هدف قرار داد، و همین‌طور اثر شدید موج و صدای انفجار چنان روی روح و روان بیماران سرطانی و به‌خصوص کودکان سرطانی، کادر درمان را به این نتیجه‌رساند که به‌سرعت بیمارستان را تخلیه کنند.

مدیر بیمارستان شهید بقایی اهواز بعد از این فاجعه اعلام کرد: پس از حمله تجاوزکارانه آمریکای جنایتکار به اطراف بیمارستان، موظف شدیم ۲۱۱ بیمار بستری را جابه‌جا کنیم. دکتر مجید بوعداز افزود: تمام تخت‌های بیمارستان شهید بقایی ۲ به علت وقوع شرایط اضطراری تخلیه شد و بیماران منتقل گردیدند.

از سوی دیگر در پی تجاوز و وحشیانه نیروهای آمریکایی و بمباران زیرساخت‌های غیرنظامی در استان هرمزگان، دو برادر دارای معلولیت تحت پوشش بهزیستی به نام‌های مازیار (۱۱ساله) و همایون (۲۲ساله) چتر زرین، در جریان حمله به پل ارتباطی نیمه‌کار شهرستان خمیر به شهادت رسیدند.

کارشناسان علوم نظامی و امنیتی معتقدند یکی از روش‌های مرسوم مرعوب‌سازی حداکثری در میان ارتش‌های غربی – استعماری و در صدر آنها آمریکا و رژیم صهیونیستی حین استیصال از تسلیم‌کردن رقبای تمدنی خود، ایجاد ترس بسیار شدید و ناگهانی (Vasovagal Syncope) از طریق ارتکاب خشونت بدون هیچ نوع درو بیاستی است.

درواقع هدف از این دیونمایی ایجاد حس درماندگی در مردم و زمینه‌سازی برای توجیه‌گری تسلیم آنهاست. در این راستا، ازجمله تکنیک‌های رایج برای ایجاد این نوع ترس در میان افکارعمومی مردم مورد حمله کشورهای غربی، ارتکاب جنایت‌هایی چون کودک‌کشی یا بیمارکشی یا آماده‌نشان‌دادن خود برای ارتکاب این‌گونه جنایت‌ها و انتشار اخبار و تصاویر آن است.

■ ■ ■

قوه قضاییه: برخلاف ادعای ترامپ هیچ زندانی آمریکایی آزاد نشد

میزان، خبرگزاری رسمی قوه قضاییه اعلام کرد که برخلاف ادعای ترامپ هیچ زندانی آمریکایی‌ای از زندان‌های ایران آزاد یا تبادل نشده است. به گزارش میزان، اوایل بامداد روز جمعه دونالد ترامپ در مطلبی در فضای مجازی مدعی آزادی یک زندانی آمریکایی توسط ایران شد که به گفته او در زمان دولت بایدن و سال ۲۰۲۴ بارداشت شده بود.

ترامپ مطابق رویه قبلی در اعلام خبرهای دروغین علاوه بر دادن ناساز به رئیس جمهور سلف خود از ایران هم تشکر کرد.

ترامپ در حالی این ادعا را مطرح کرده که با توجه به بررسی‌های صورت‌گرفته، هیچ زندانی محکوم یا جاسوس آمریکایی‌ای، چه با مشخصاتی که او اعلام کرده و چه با مشخصات دیگری، از زندان‌های ایران آزاد یا تبادل نشده است.

البته سابقه توهمات ترامپ در اعلام این‌گونه اخبار فقط به این مورد برنمی‌گردد، او پیش‌تر هم در مواردی از جمله اعلام خبر اعدام قریب‌الوقوع هشت زن زندانی در پی کودتای دی‌ماه ۱۴۰۴، اعدام یک پسر جوان در کرج و… گول منابع دروغگوی خود را خورده بود.

جنگ آمریکاعلیه ایران در روزهای اخیر وارد مرحله‌ای تازه‌شد؛ مرحله‌ای که دیگر صرفاًنبرد میان پایگاه‌های نظامی و اهداف عملیاتی نیست، بلکه به تقابل مستقیم بر سر زیرساخت‌ها و شریان‌های حیاتی دو طرف تبدیل شده است. در حالی‌که ارتش آمریکا حملات خود را متوجه راه‌آهن، پل‌های ارتباطی، برخی مناطق مسکونی و نقاطی در جنوب ایران کرده، نیروهای مسلح جمهوری اسلامی نیز با اجرای موج‌های جدید عملیات «صاعقه» و «نصر» دامنه پاسخ‌های خود را به مراکز فرماندهی، پایگاه‌های لجستیکی، سامانه‌های راداری، انبارهای تسلیحاتی و زیرساخت‌های نظامی آمریکا در کشورهای منطقه گسترش داده‌اند؛ روندی که نشان می‌دهد قواعد دگربری در حال تغییر است و هرگونه تعرض به زیرساخت‌های ایران با پاسخ متقابل و فراتر از آن روبه‌رو خواهد شد. بامداد جمعه، استان‌های هرمزگان و بوشهر بار دیگر هدف حملات هوایی آمریکاقرارگرفتند.براساس اعلام‌استانداری هرمزگان، ایستگاه‌انشعاب راه‌آهن بندرعباس، پل‌های کپورستان و گزیوه در شهرستان بندرخمیر هدف حمله قرارگرفتند که در پی آن شماری از هموطنان شهید و مجروح شدند و برخی محوره‌های مواصلاتی نیز مسدود شد. همچنین گزارش‌هایی از حمله هوایی به بوشهر منتشر شد. هرچند شایعاتی درباره حمله به جزیره کیش مطرح شد. در مقابل، پاسخ ایران نیز به سرعت وارد مرحله‌ای جدید شد. ارتش جمهوری اسلامی ایران در یازدهمین و دوازدهمین مرحله عملیات «صاعقه» پایگاه الصخیر بحرین، محل استقرار هواپیماهای شناسایی، بالگردها و همچنین مراکز پشتیبانی لجستیکی ارتش آمریکا در کویت را با پیاده‌های انهدامی آرش هدف قرار داد. همزمان سیاه پاسداران نیز در موج‌های یازدهم تا

جبهه اصلاحات ایران در تازه‌ترین بیانیه خود، با دفاع تمام‌قد از تفاهم ایران و آمریکا، هشدار داده‌است که هرگونه تضعیف این روند، کشور را بار دیگر در معرض جنگ، تحریم و بحران‌های اقتصادی قرار خواهد داد. بیانیه‌ای که بیش از آن‌که متوجه رفتار آمریکا باشد، انگشت اتهام را به سمت منتقدان داخلی نشانه گرفته و چنین القا می‌کند که بزرگ‌ترین تهدید پیش‌روی کشور، نه بدعهدی واشنگتن، بلکه مخالفت با روند کنونی مذاکرات است. جبهه اصلاحات در این بیانیه، تفاهم ایران و آمریکا را «فرصتی ارزشمند برای توقف چرخه تنش، کاهش خطر جنگ، رفع تدریجی تحریم‌ها و تأمین منافع ملی» توصیف کرده‌است. این روایت اما یک پرسش اساسی را بی‌پاسخ می‌گذارد؛ وقتی طرف آمریکایی در عمل تعهدات خود را نقض کرده و با آغاز جنگ اجرای تفاهم را با چالش مواجه ساخته است، چگونه همچنان می‌توان از همان تفاهم به عنوان «فرصتی ارزشمند» یاد کرد، بی‌آن‌که مسئول اصلی نابودی آن مورد موآخذه قرارگیرد؟ یکی از محوره‌های اصلی این بیانیه، هشدار درباره اختلافات داخلی است. جبهه اصلاحات می‌نویسد اگر اختلاف‌ها

 یادداشت
دکتر موسی نجفی استاد تمام علوم سیاسی
لزوم استمرار روشنگری علیه استعمار نو
استعمار فرانو در مرحله نخست «ترور ذهن» می‌کند و بیشتر قربانیانش مستضعفین فکری در جامعه هدف هستند. ویژگی بارز این جریان رویاپردازی و البته رویا‌فروشی خوشبینانه و ساده‌انگارانه نسبت به اهداف سیاست و تمدن غرب در ایران است. اصولاً مگر آیا انگلیس دیروز و آمریکای امروز به‌ویژه حرص و طمع استعماری غرب در اصل و ذات خود تفاوتی کرده است؟ جواب این است در ماهیت خیر ولی در برخی شیوه‌ها، «استعمار کهنه» به «استعمار نو» و «استعمار فرانو» متحول شده. البته با تأسف زیاد باید گفت

 یادداشت
فواد ایزدی کارشناس ارشد مسائل آمریکا
مه‌ار آمریکا فقط با گزینه نظامی ممکن است
آنچه که به‌عنوان تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا حاصل شد، اساساً به معنای فنی تفاهم‌نامه نبوده؛ بلکه یک عملیات روانی از سوی آمریکا بوده؛ مشابه دو مورد دیگری که در میانه مذاکرات به ما حمله کردند. این هم شبیه همان موارد بود. یک متن روی کاغذ نوشته‌شد. آمریکایی‌ها در آن مقطع با یک حمله مواجه بودند؛ قیمت بنزین در داخل آمریکا افزایش یافته بود و فشار سیاسی بر ترامپ وجود داشت. می‌خواستند آن مشکل را حل کنند، بنابراین متنی نوشتند و به طرف ایرانی دادند. پس از آن، مشکل‌شان تا حدی برطرف شد، قیمت‌نفت تقریباً به نرخ‌های پیش از جنگ بازگشت، حدود چندصد میلیون بشکه نفت از خلیج فارس خارج کردند، مشکلات‌شان را حل کردند، در حوزه نظامی تجدیدقوا کردند و به یک تنفس نیاز داشتند که آن را نیز به‌دست آوردند. اکنون دوباره حملات جدید را آغاز کرده‌اند. از این جهت، واقعه نمی‌توان نام آن را تفاهم‌نامه گذاشت؛ بلکه یک عملیات روانی بود که متأسفانه طرف مقابل در اجرای آن موفق بود. آنها یک سری اهداف کوتاه‌مدت داشتند که به آنها رسیدند؛ رهبری

 یادداشت
دکتر غلامرضا خواجی عضو هیات علمی دانشگاه فردوسی مشهد

مجازات مرتکبین حمله نظامی به بیمارستان بقایی اهواز

برای بررسی حمله نظامی آمریکا به بیمارستان بقایی اهواز، از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه، به‌ویژه کنوانسیون‌های ژنو، حمله به مراکز درمانی همواره به‌عنوان یک جنایت جنگی شناخته می‌شود. طبق ماده ۱۸ کنوانسیون چهارم ژنو، «بیمارستان‌های

 سردار سیدمجید موسوی از حجم بالای آتش ایران بر سر دشمنی تا بازگشت آرامش به خط ساحلی جنوب و تنگه هرمز خیر داد
شلیک‌های ایران؛ موثر و نقطه‌زن
 برش
فرمانده نیروی دریایی سپاه: ساعت صفر عملیات علیه ستکام نزدیک می‌شود همزمان با تلاش نیروهای آمریکا برای موثر نشان دادن تهاجم خود و ادعای این‌که این حملات توانایی ایران برای رصد و اعمال مدیریت بر تنگه هرمز

شازند هم عملیات «نصر»»، مجموعه‌ای از اهداف آمریکایی در سوریه، کویت، عمان، اردن و قطر را مورد حمله قرار داد؛ از انهدام مرکز فرماندهی عملیات ویژه آمریکا در التنف سوریه و سامانه‌های راداری مستقر در عمان گرفته تا هدف قرار دادن مواضع می‌مارس، هواپیماهای سوخت‌رسان، جنگنده‌ها و سامانه‌های پدافندی آمریکا در منطقه. در میانه این تحولات، هشدارهای صریح فرماندهان ارشد نیروهای مسلح نیز نشان داد که تهران قواعد جدیدی برای ادامه

 گزارش
جبهه اصلاحات، منتقدان تفاهم را عامل بازگشت جنگ معرفی می‌کند؛ اما درباره به‌عهدی آمریکا سکوت کرده است
به تضعیف دیپلماسی بینجامد، «کشور ممکن است بار دیگر در مسیر رویایی، ناامنی و جنگ قرار گیرد.» این‌گزاره، عملیات دوگانه می‌سازد؛ یا حمایت کامل از تفاهم و سکوت در برابر آن، یا جنگ و بحران. در چنین چارچوبی، هر نقدی نسبت به روند مذاکرات یا نحوه اجرای تفاهم، به عنوان عاملی برای افزایش احتمال جنگ معرفی می‌شود؛ در حالی‌که نقد سیاست خارجی، بخشی از فرآیند طبیعی تصمیم‌سازی در هر نظام سیاسی است و نمی‌توان آن را مترادف جنگ‌طلبی دانست. بیانیه همچنین تأکید می‌کند که «ارسال پیام‌های متناقض، تخریب روند گفت‌وگو یا تضعیف جایگاه دستگاه دیپلماسی، تنها به افزایش بی‌اعتمادی، پیچیده‌تر شدن مذاکرات و از دست رفتن فرصت‌های ملی منجر خواهد شد.» اما در این میان، جای یک مطالبه مهم خالی است؛ مطالبه‌ای آمریکایی‌را

همچنان خوشبینی مردان سیاست در شرق نسبت به غرب و اعتماد بیجا به این مردان روبه‌صفت ساده‌لوحانه ادامه دارد و شاید عبرت نگرفتن درست از تاریخ، پس ما چه هنگام قرار است از تاریخ عبرت بگیریم؟ نقش مخرب استعمار با همه چهره‌هایش در عقب‌ماندگی ایران پنهان است و چندان شناخته و آشکار نشده. ازجمله عوامل این مؤلفه پنهانی می‌توان کار فرهنگی رویاه‌وسالوس پیر یعنی انگلیس و تربیت تحصیلکردگان طرفدار خود همچنین راه‌اندازی جریان شرق‌شناسی را نام برد. البته از دیگر عوامل مهم در نشناختن استعمار – مثلاً انگلیس در ایران – به‌خاطر مستعمره مستقیم نبودن ایران و ندیدن چهره واقعی استعمار به‌طور عام و بین مردم و نخیکان است. مطلب مهمی که در هندوستان با عراق به‌خاطر حضور مستقیم و خشن‌تر استعمار وضوح بیشتری دارد

 یادداشت
فواد ایزدی کارشناس ارشد مسائل آمریکا
مه‌ار آمریکا فقط با گزینه نظامی ممکن است
را شهید کردند، زیرساخت‌ها را هدف قرار دادند و مستولان کشور را به شهادت رساندند. در عین‌حال اهداف بلندمدتی نیز دارند. اکنون هم درصددند تا با حمله به ایران امتیاز بگیرند. در واقع به طرف ایرانی می‌گویند امتیاز بیشتری بدهید، سریع‌تر بدهید، وگرنه دوباره حمله می‌کنیم. مثلاً می‌خواهند تنگه‌هرمز را در اختیار بگیرند و از آن عوارض دریافت کنند. طبیعی است که ایران اعتراض می‌کند و آنها هم حمله می‌کنند. بنابراین هدف‌شان اعمال فشار بر ایران است؛ هم برای تنگه‌هرمز و هم برای مطالبات دیگری که در ادامه مطرح خواهند کرد. در اینجا یک تحلیل غلط هم به نفع آمریکایی‌ها مطرح می‌شود. برخی مدعی هستند که ابزار کنترل تنگه‌هرمز تنها برای مدت محدودی قابل استفاده‌است و پس از آن مسیرهای جایگزین پیدا خواهند شد. این تحلیل صحیح نیست؛ چون همان مدت محدود هم چهار یا پنج سال طول می‌کشد؛ یعنی تا پایان دوره ترامپ. پس از آن افراد دیگری روی کار خواهند آمد. علاوه بر این، مسیرهای جایگزین فقط برای انتقال نفت کار برد دارند. کودشیمیایی، اوره یا هلیوم را هم نمی‌توان از طریق خط لوله منتقل کرد. بنابراین تنگه‌هرمز برای بخشی از تولیدات این منطقه که در سطح جهانی بسیار اثرگذارند، همچنان ضروری است.

غیرنظامی که برای مراقبت از مجروحان، بیماران و افراد ناتوان سازماندهی شده‌اند، در هیچ شرایطی نباید مورد حمله قرار گیرند و همواره باید توسط طرفین درگیری مورد احترام و حمایت قرار گیرند.» نقض این اصل، پیامدهای حقوقی و اخلاقی سنگینی دارد؛ نقض اصل تفکیک؛ در حقوق بین‌الملل، طرفین درگیری موظفند بین اهداف نظامی و اماکن غیرنظامی (مانند بیمارستان‌ها) تفکیک قائل شوند. هدف قرار دادن عاملان بیمارستان، مصداق بارز عدم رعایت این اصل است. ۲. حمایت ویژه: بیمارستان‌ها حتی در صورت حضور برخی مجروحان نظامی نیز از آت‌زمانی که به‌عنوان

 سردار سیدمجید موسوی از حجم بالای آتش ایران بر سر دشمنی تا بازگشت آرامش به خط ساحلی جنوب و تنگه هرمز خیر داد
شلیک‌های ایران؛ موثر و نقطه‌زن
 برش
را کاهش داده است، فرماندهی نیروی دریایی سپاه در پیامی تصریح کرد: تحرکات و تجهیزات ارتش تروریستی آمریکایی، تحت اشراف یگان‌های دریایی جمهوری اسلامی است. سردار علی عظمایی افزود: آمریکایی‌ها هر لحظه خود را به ساعت صفر عملیات علیه یگان‌های دریایی ستکام در آب‌های منطقه، نزدیک می‌کنند. وی در نهایت هشدار داده است: انتظار بکشید.

از اقدامات دشمن خواهد بود. همزمان، سردار ابوالفضل شکارچی، سخنگوی ارشد نیروهای مسلح نیز با تشریح دکترین دفاعی جمهوری اسلامی تأکید کرد هرگونه آسیب به زیرساخت‌های ایران، تمامی زیرساخت‌های منطقه را به اهداف مشروع نیروهای مسلح تبدیل خواهد کرد. وی همچنین با تأکید بر این‌که مدیریت تنگه هرمز صرفاً در اختیار ایران و عمان است، حضور آمریکا در این آبراه را فاقد هرگونه مبنای حقوقی دانست و تصریح کرد جمهوری

 گزارش
همه مقصرند به جز آمریکا!
جبهه اصلاحات، منتقدان تفاهم را عامل بازگشت جنگ معرفی می‌کند؛ اما درباره به‌عهدی آمریکا سکوت کرده است اجرای تعهدات و پاسخگویی نسبت به بدعهدی‌هایش، گویی دراین روایت، مسئولیت موفقیت یا شکست تفاهم، به‌طور کامل بر دوش فضای سیاسی داخلی قرار گرفته و نقش طرف مقابل به حاشیه رانده شده است. جبهه اصلاحات در ادامه هشدار می‌دهد که شکست روند دیپلماتیک می‌تواند به «افزایش احتمال بازگشت به رویارویی نظامی، تشدید تحریم‌ها، گسترش بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی، کاهش سرمایه‌گذاری، فرار سرمایه و تعمیق بحران‌های معیشتی» منجر شود. این استدلال، گرچه در ظاهر با دغدغه منافع ملی مطرح می‌شود اما در عمل به نوعی جنگ‌هراسی سیاسی شباهت پیدا می‌کند. این در حالی است که تجربه مذاکرات هسته‌ای و دیگر توافقی‌های گذشته نشان داده موفقیت دیپلماسی، نه صرفاً به حمایت داخلی، بلکه بیش از هر چیز به میزان پایبندی طرف

و استعمار با شفافیتی بیشتری دیده می‌شود. مطلب مهم دیگر، پوست انداختن استعمار از کهنه به نو و فرانوست. درست مثل جانیکاری که در جوانی مرتکب جرم شده ولی امروز مواهیش به سفیدی گراییده و قیافه‌اش مثل پیری دانا و دوست‌داشتنی شده است انگار آلتا چنین تغییری اصل جنایت را پاک و تظهِیر می‌کند؟ در مورد استعمار در ایران و حتی ابعاد آن در کشورهای اسلامی هنوز باید کار تحقیقی عمیق و بیشتر انجام شود چراکه هر چه جلوتر بریود و درب این جعبه سیاه را بازتر نمایم د خواهیم فهمید این اقوام اروپایی به‌ظاهر متمدن چقدر در حق انسان‌های دیگر ستم و وحشی‌گری انجام داده‌اند. نخستین گام برای مقابله با ابعاد استعمار همانا شناخت استعمار است و این شناخت نباید برپایه روایت خود استعمارگر شکل بگیرد. زیرا تا وقتی روایت این پدیده را غیراستعمارگر

 یادداشت
مهدی فضائی تحلیلگر ارشد مسائل سیاسی
رهبری با همه مدال‌های افتخار
در میان انبوه انسان‌ها، تعداد اندکی موفق به دریافت مدال می‌شوند و نام‌شان به‌عنوان «قهرمان» ثبت می‌گردد، و در میان افراد محدودی که به دریافت مدال نایل می‌آیند تعداد محدودتری چندمداله می‌شوند. این قاعده در همه‌جا از جمله نیازی ورزش، علم و دانش، هنر و البته جهاد، ساری و جاری است. برخی افتخار حضور در میدان مبارزه با طاغوت و رژیم منحوس پهلوی را پیدا کردند ولی همان‌جا متوقف شدند و کارشان به دستگیری، شکنجه و تبعید و خروج سربلند از این مراحل منجر نشد. برخی اهل مبارزه بودند اما مفتخر به جانبازی نشدند و برخی با مدال پرافتخار جانبازی متوقف شدند. برخی در دوران دفاع مقدس اول که هشت‌سال طول کشید و در رأس مسائل کشور هم بود و واجب کفایی؛ اصلاً توفیق حضور در جبهه را پیدا نکردند و از میان آنهایی که از همه‌یا بعضی از این افتخارات بهره‌مند شدند، معدودی افتخار شهادت پیدا کردند که عالی‌ترین نشان ومدالی است که یک مجاهد فی سبیل الله توفیق کسب آن را پیدامی‌کند.

محل فعالیت نظامی فعال استفاده نشوند) دارای حمایت ویژه هستند. سلب این مصونیت تنها زمانی رخ می‌دهد که بیمارستان از سوی طرف مقابل برای اقدامات آسیب‌رسان (مانند انبار سلاح یا پایگاه عملیاتی) استفاده شود که در آن صورت نیز اخطار قبلی و رعایت تناسب الزامی است. ۳. مسئولیت کفیری: براساس اساسنامه دیوان کفیری بین‌المللی (رم)، هدایت حملات عمدی علیه واحدهای پزشکی و بیمارستان‌ها، جنایت جنگی محسوب شده و عاملان آن در مراجع بین‌المللی قابل پیگرد هستند. در نهایت، هرگونه حمله به زیرساخت‌های حیاتی سلامت، نه‌تنها

اسلامی هیچ عقب‌نشینی‌ای در موضوع مدیریت تنگه هرمز نخواهد داشت. در همین چارچوب، پیام فرمانده نیروی هوافضای سپاه نیز از تداوم پاسخ‌های عملیاتی حکایت داشت. سردار سیدمجید موسوی با تأکید بر این‌که «تهران تا جنوب، یکپارچه برای ایران است»، اعلام کرد شلیک‌های مؤثر و ه‌دفعند نیروهای مسلح از سراسر کشور تا بازگشت آرامش به خط ساحلی جنوب و تنگه هرمز ادامه خواهد داشت؛ پیامی که نشان می‌دهد فرماندهی ایرانی، امنیت سواحل جنوبی و تنگه هرمز را محور اصلی عملیات‌های جاری می‌دانند. مجموعه این تحولات نشان می‌دهد جنگ وارد مرحله‌ای شده‌است که در آن، زیرساخت‌ها به یکی از اصلی‌ترین محورهای تقابل تبدیل شده‌اند. اگر در روزهای نخست، تمرکز حملات بر اهداف نظامی و مراکز فرماندهی بود، اکنون طرف آمریکایی با هدف قرار دادن پل‌ها، خطوط ریلی و برخی زیرساخت‌های شهری در تلاش است هزینه جنگ را به داخل ایران منتقل کند؛ در مقابل، ایران نیز با گسترش دامنه عملیات به پایگاه‌ها، سامانه‌های راداری، مراکز لجستیکی و زیرساخت‌های نظامی آمریکا در سراسر منطقه، این پیام را مخابره کرده است که هرگونه عبور از خطوط قرمز، هزینه‌ای فراتر از میدان نبرد برای واشنگتن و حامیان آن خواهد داشت. در چنین شرایطی، به نظر می‌رسد تنگه هرمز همچنان کانون اصلی این تقابل باقی خواهد ماند. تأکید مکرر فرماندهان نیروهای مسلح بر عدم پذیرش هرگونه دخالت آمریکا در این آبراه و همزمان تداوم عملیات‌های نظامی در پیرامون آن، نشان می‌دهد نبرد کنونی رقابتی بر سر تعیین موازنه قدرت و نظم امنیتی آینده خلیج فارس است؛ نظامی‌که ایران حاضر نیست آن را با به دلیل فشار نظامی یا تهدید، به دشمن واگذارد کند.

مقابل وابسته است. اگر آمریکا هزینه‌ای برای نقض توافق نبردازد و همزمان همه فشارها متوجه منتقدان داخلی باشد، طبیعی است که انگیزه‌ای برای تغییر رفتار خود نخواهد داشت. بیانیه جبهه اصلاحات با دعوت به «عقلانیت، گفت‌وگو و اجماع ملی» پایان می‌یابد؛ مفاهیمی که هیچ مخالفتی با اصل آنها وجود ندارد اما عقلانیت زمانی کامل است که خوشبینی به مذاکره، در کنار بدبینی مبتنی بر تجربه قرار گیرد. گفت‌وگو نیز زمانی در خدمت منافع ملی است که طرف مقابل به تعهدات خود پایبند باشد، نه آن‌که هر بار با نقض توافق، هزینه‌ای متوجه ایران شود و باز هم نسخه‌ای که ارائه می‌شود، صرفاً دعوت به حمایت بیشتر از همان مسیر باشد. دیپلماسی، یکی از ابزارهای قدرت ملی است، نه جایگزین آن. اگر حمایت از مذاکره به معنای نادیده‌گرفتن بدعهدی آمریکا، کم‌رنگ کردن ضرورت بازآزادنگی و تبدیل هر نقدی به اتهام جنگ‌طلبی باشد، این دیگر دفاع از دیپلماسی نیست؛ بلکه تقلیل منافع ملی به حفظ هر توافقی، حتی زمانی‌که طرف مقابل نخستین ناقض آن باشد.

به عهده داشته باشد، قدرت مقابله با آن به دست می‌آید. یکی از این دست پژوهش‌ها مطالعات «پسااستعماری» است. مهم‌ترین هدف مطالعات پسااستعمار ارائه خوانشی نو از تجربه استعمار اما از منظر استعمارشدگان است و استعمارگر در چنین روایتی نقشی ندارد. بی‌تردید این چنین خوانش جدیدی انتقادی و آموزنده است که انقلاب اسلامی از این منظر، درس‌ها و نکات مهمی برای عرضه به دنیا دارد چراکه با استعمار در عمیق‌ترین لایه‌های آن درگیر و سراسخ شده‌است. در همین راستا باید تأکید داشت که درباره استعمار کهنه با استعمار نو و استعمار فرانو و استعمار سایبری و استعمار ذهن باید به روشنگری مستمر پرداخت، هرچند یک ماهیت و ذات و نفوذ و سلطه مشترک دارند ولی شیوه‌ها و سیاست آنها با هم متفاوت است و امروزه البته پیچیده‌تر و مرموزتر هم شده‌است.

 یادداشت
مهدی فضائی تحلیلگر ارشد مسائل سیاسی
رهبری با همه مدال‌های افتخار
از عرصه‌های متعدد دیگر که بگذریم، آقای شهید ایران جزو بسیار اندک افرادی بودند که همه این مدال‌ها را کسب و بر سینه خود نصب کردند. آقای شهید ایران، علاوه بر کسب افتخارات در دیگر عرصه‌ها مانند منتخب امام برای جایگاه‌های حساس از قبیل شورای انقلاب، شورای عالی دفاع و امام جمعه تهران، بیشترین رای مردم (۹۵/۱۱ درصد) در انتخابات ریاست جمهوری و ... در عرصه جهاد و مبارزه نیز، هم افتخار مبارزه با رژیم طاغوت را داشتند، هم افتخار سربلندی در مراحل مستگتری، شکنجه و تبعید را، هم افتخار جانبازی به دست منافقین و هم رزمندگی در دفاع مقدس را و سرانجام توفیق و افتخار کسب عالی‌ترین و پرافتخارترین مدال یعنی شهادت را؛ آن هم در ماه مبارک رمضان و هنگام تلاوت قرآن و همراه اعضای از خانواده و به دست شقی‌ترین و خبیث‌ترین دشمن. واقعا جمعیت این همه مدال و افتخار در یک نفر، نشان دهنده برگزیده بودن این رهبر الهی از ابتدا نیست؟ حقیقتاً ایشان مصداق عاش سعیدا و مات سعیدا و نیز این آیه سوره مبارکه رعد بودند؛ الذین آمنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن مآب کسانی که ایمان آوردند، و کارهای شایسته انجام دادند، برای آنان زندگی خوش و باسعادت و بازگشتی نیک است.

نقض فاحش قوانین ژنو است، بلکه با از بین بردن ظرفیت‌های بشردوستانه، موجب پنج ضروری غیرنظامیان شده است. رفتارهای مجرمانه آمریکا، دولت ترامپ و سنکتام، در تکرار نقض مقررات بین‌المللی علیه ایران، بر صاحب‌نظران پوشیده نیست. حقوق بین‌الملل نیز، ضمانت اجراهای کارآمدی در مجازات مرتکبین را به‌همراه ندارد. موشک‌های ایرانی بر سر مجرمین نظامی آمریکایی، در جنگ نیروما در منطقه، این خلد بین‌المللی را هم به‌لحاظ مجازات مجرمین و هم از جنبه بازآزادنگی این وظیفه مهم را انجام می‌دهد.